

بررسی در ضرب المثل‌های مشترک اردو و فارسی از دیدگاه ترجمه نگاری

حمیرا شهباز*

چکیده:

ضرب المثل حکایت یا داستانی است که در میان مردم برای توضیح مطلب و مقصود به صورت نظم و نثر شهرت یافته است. در زبان و ادبیات اردو و فارسی ضرب المثل رواج بسیار دارد. در این مقاله سابقه و وضعیت ضرب المثل در اردو و فارسی و مقایسه ضرب المثل فارسی و اردو به صورت موردی بحث می شود تا مشترکات فرهنگی و ادبی اردو و فارسی مشخص گردد. همچنین رابط ضرب المثل‌های فارسی و اردو دسته بندی می شود و در عهد حاضر اهمیت ترجمه نگاری برای ترویج زبان ها را در نظر داشته مسائل مربوط به ترجمه ضرب المثل از فارسی به اردو و برعکس از دیدگاه جان درایدن، کتفورد، و پیتیر نیومارک ترجمه شناسان زبان شناسان معروف معاصر بررسی می شود.

واژه‌های کلیدی: ضرب المثل، اردو، فارسی، ترجمه نگاری، جان درایدن، کتفورد،

پیتیر نیومارک.

*مربی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی زبانهای نوین، اسلام آباد

مقدمه:

فرهنگ الگوی قابل مشاهده از رفتار، آداب و رسوم، و روش زندگی يك گروه اجتماعی است. فرهنگ مشتمل بر ایده‌ها، باورها و دانش است که به يك گروه خاص از مردم مشخص است. (Fetter man:16) زبان جدا از فرهنگ نیست. اما از حیث ذات زبان و فرهنگ همراه نیستند. چونممکن باشد زبانهای نامربوط يك اشتراك فرهنگی دارند و گاهی زبانهای مربوط و حتی يك زبان در فرهنگهای مختلف رایج باشد، مثلاً: انگلیسی در آمریکا و بریتانیه رایج است اما هر دو کشور دارای فرهنگ جداگانه می باشند. (Harris:31) این امر هم قابل توجه است که ممکن است که هم زبانی باعث هم فرهنگی شود اما ممکن نیست که زبان مشترک راه فرهنگ مشترک را مسدود کند، به ویژه در حالیکه زمینه‌های جغرافیایی، سیاسی و معاشی در سراسر منطقه یکسان نیستند. زبان و افکار باهم مربوط است یا می توان گفت یکیست. فرهنگ شاید پاسخ کلمه "چه" می باشد که يك جامعه "چه کار می کند؟" یا "چه فکر می کند"، اما زبان پاسخ "چطور؟" می دهد. (همان: ۳۲، ۳۳)

تمام زبانهای جهان، محلی یا ملی، ضرب المثل خاص خود دارند که بنا بر آن ویژگی يك زبان و فرهنگ از دیگران ممتاز شناخته می شود. (اسلم، ۲۰۱۰: vii) ضرب المثل قدیمترین و بهترین سرمایه گرانهای يك قوم می باشد. این امثال نشان دهنده ذوق و ویژگیها و افکار و آداب و سنن آن ملت است. (خان، ۲۰۰۴: پیش گفتار) هر قدر تاریخ تمدن ملتی درازتر باشد بیشتر حادثه در آن پیدا میشود و مثل های بیشتری در آن وجود دارد. (جمشیدی پور، ۱۳۴۶: ۳)

اهمیت تحقیق:

در همه زبانهای جهان که گفته و نوشته می شود ترجمه نگاری رواج دارد. (قریشی، ۱۹۸۵: ۱۰۱) بلکه باید گفت که زبان های نوین با کمک زبانهای قدیم پیشروی می کنند. از طریق ترجمه تحقیقات و علوم و فنون از يك قوم به دیگری

منتقل می شود. فارسی بهترین مثال این پیشرفت است که با مرور زمان بنا بر تغییرات سیاسی از زبان های دیگر تاثیر پذیرفته است و این تاثیر بیشتر از آن زبانهاست که به آنها گرایش بیشتری دارند. مثلاً انگلیس بیشتر از فرانسه در ایران عمل دخل سیاسی داشت اما فارسی در برابر انگلیسی بیشتر از زبان فرانسه تاثیر پذیرفته است. (همان: ۱۰۵-۱۰۶) اردو هرچند در مقابل زبان فارسی جوا نتر است اما تاثیر پذیری اردو در مقابل دیگر زبان ها مانند عربی، ترکیه، انگلیسی، از فارسی بیشتر است.

روابط تمدنی و سیاسی بین ایران و پاکستان سابقه قدیمی دارد. پروفیسور فتح محمد ملک نظر دارد که بنا بر تاریخ اشتراك عمل ایران و پاکستان، ادبیات زبانهای فارسی و اردو نیز عناصر مشترك دارد. بهترین مثال این اشتراك فرهنگی و ادبی ضرب المثلهای مشترك اردو و فارسی است. و این اشتراك ضرب المثل ها از طرز فکر اجتماعی و حافظه و تخیل عامه مردم این دو کشور برادرانه نمو می یابد. (خان، ۲۰۰۴: پیش لفظ)

این بررسی برای دریافت ربط مشترك ضرب المثلهای اردو و فارسی صورت گرفته است تا اشتراك فرهنگی ایران و پاکستان مشخص تر شود.

پیشینه تحقیق:

ضرب مثلها نظر دانشمندان و فضلاء و ادبای هر زبان را به خود جلب کرده است. (رازی، ۱۳۶۸: ۳) چون ضرب الامثال درون نمای فرهنگ و سنن و تاریخ است سپس حفظ آن خیلی مهم است. (اسلم، ۲۰۱۰: Xi) اهل ادب و فکر آنها را در کتابهای ارزشمندی جمع آوری نموده حفظ کرده اند تا این آثار نفیس به دست فراموشی سپرده نشود. (رازی، ۱۳۶۸: ۳) "امثال و حکم" یکی از تالیفات ارزشمندی است از علی اکبر دهخدا که در آن ضرب المثلهای فارسی گرد آوری شده است. (داد، ۱۳۸۵: ۲۶۳) "کتابی چنین شامل و کامل درین زمینه فراهم نیامده است." (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۱: ۹)

در زبان اردو نیز مجموعه ضرب المثل تدوین شده مانند: "جامع الامثال"، از وارث سرهندی "خزینة الامثال" از شاه حسین حقیقت. (فرلست مطبوعات مقتدره قومی زبان) در ارتباط باهمی فارسی و اردو ضرب المثال هم کاری انجام شده مانند: "اردو-فارسی ضرب المثال" از دکتر زیب النساء علی خان، "اردو میں مستعمل عربی فارسی ضرب المثال" از مقبول الہی. (همان) يك مقاله به زبان اردو به عنوان: "سیمین دانشور کے افسانوں میں ضرب المثال کی چاشنی"، از دکتر امیر یاسمین يك کاوش خوبی در ضمن ترجمه ضرب المثال است. در این مقاله ضرب المثل های فارسی از مجموعه پنج افسانه سیمین دانشور به اردو ترجمه شده است. (یاسمین، ۲۰۱۴: ۹۵-۹۸)

هدف تحقیق:

این بررسی برای دریافت ربط باهمی ضرب المثل‌های مشترک زبان اردو و فارسی از دیدگاه روش ترجمه نگاری به عمل آمده است که تا حال چنین بررسی صورت نگرفته است.

پرسش تحقیق:

این بررسی مقایسه ضرب المثل فارسی و اردو برای دریافت پاسخ پرسشهای زیر به عمل آمده است:

- ۱- ضرب المثل های فارسی و اردو باهم چه ربط دارند؟
 - ۲- سابقه و ضیعت ضرب المثل در اردو و فارسی چیست؟
 - ۳- مشترکات فرهنگی و ادبی اردو و فارسی از دیدگاه ضرب المثل چیست؟
 - ۴- رابطه ضرب المثل های فارسی و اردو در عهد حاضر از دیدگاه ترجمه نگاری چه اهمیتی دارد؟
 - ۵- مسائل مربوط به ترجمه ضرب المثل از فارسی به اردو و برعکس چیست؟
- محدودیت تحقیق:

این بررسی مقایسه ضرب المثل‌های مشترک اردو و فارسی تنها از دیدگاه روش ترجمه نگاری محدود است.

روش تحقیق:

روش این تحقیق مورودی (تحقیق میدانی) است. بعد از تعریف اصطلاح "ضرب المثل" و بیان سابقه و ضمیمه ضرب المثل‌های اردو و فارسی برای این تحقیق یک ضرب المثل مشترک اردو و فارسی طبق اصول ترجمه از دیدگاه ترجمه نگاران معروف جان درایدن، کتفورد و پیتر نیومارک بررسی می شود. بعد امثالی چند از ضرب المثل از دسته هر نوع روش ترجمه آورده می شود.

تعریف ضرب المثل

ضرب مثل سبك مخصوص قرآن کریم است ك پروردگار هم برای صحیح ترین تعبیر متذکر مثل را بیان نموده است (رازی، ۱۳۶۸: ۳). خداوند تبارك و تعالی در آیات متعددی اهمیت ضرب مثل را بیان فرموده است، مانند:

"وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعِلْمُونَ" (العنكبوت: ۴۳)

ترجمه: "و این گونه مثال ها را برای مردم میزنیم، ولی آنها را تعقل نمی کنند مگر دانشمندان."

تعریف ضرب المثل در فرهنگها و دیگر کتب اردو و فارسی بقرار زیر است.

لغتنامه دهخدا: "ضرب مثل عبارتست از ذکر چیزی تا ظاهر شود اثر آن در غیر آن چیز. و در ضرب مثل تا مشابهت در بین نباشد زدن مثل صورت نگیرد و برای آن ضرب مثل نامیده شده که شیء محل زدن واقع گردیده یعنی چیزی که در آغاز امر بیان شده در ثانی مورد ضرب مثل گردیده. سپس بر سبیل استعارت برای هر حالت یا افسانه یا صنعتی جالب نظر که شگفتی در آن نیز باشد استعمال گردد. در ضرب مثل منظور نزدیک ساختن مقصود باشد.

در مقامی که کند روی کنایه بعدو

ضرب شمشیر ندارد اثر ضرب مثل

(محمد عوفی) (دهخدا، ۱۳۳۰: ش م: ۲۱، ۳۷)

فرهنگ بزرگ سخن: "مثل گفتاری کوتاه و شایع و معمولاً در قالب بیانی کلیشه‌ای و بیان‌کننده حالتی نمادین با معانی عمیق و اندرز گونه و دارای مصادیق متعدد که موضوع یا روی داد مورد مجادله و بحث را به آن تشبیه می‌کنند، مانند: باد آورده را باد می‌برد. " (انوری، ۱۳۸۱، ج هفتم: ۶۶۸۵) "ضرب المثل: مثل آوردن در میان کلام، مثل زدن، نمونه اعلا در امری زبان زد باشد. " (همان: ۴۸۱۶، ۴۸۱۷)

فرهنگ فارسی: "مثل قصه، حکایت، افسانه یا داستانی (واقعی یا افسانه‌ی) است که در میان مردم شهرت یافته و آنرا برای ایضاح مطلب و مقصود خود به نثر یا نظم حکایت کنند. " (معین، ۱۳۷۵، ج سوم: ۳۸۵۷)

فرهنگ اصطلاحات ادبی: "در اصطلاح ادبا نوع ادبی خاصی است که آن را به فارسی "داستان" گویند. مثل سائر مثالی که رایج و جاری باشد و همه کس گوید و برابر ضرب المثل است. اختصار لفظی، وضوح معنی و لطف ترکیب از ویژگی‌های آن است. (داد، ۱۳۸۵: ۲۶۲-۲۶۳)

فرهنگ فارسی عمید: "مثل: مانند، شبیه، صفت، حدیث، قصه، قول مشهور میان مردم. (عمید، ۱۳۸۱، ج دوم: ۱۷۶۳) ضرب مثل: مثل زدن، مثل آوردن، داستان زدن. (همان: ۱۳۸۱)

فرهنگ عمید: "ضرب المثل: مثلی که میان مردم رایج باشد و همه کس گوید. مثلاً: بطور مثال. " (عمید، ۱۳۷۵، ج سوم: ۲۹۰)

فرهنگنامه ادبی فارسی: "مثل: این واژه عربی را در فارسی به داستان، دستان، نمون، حال و صفت گزاردند. در زبان فارسی، داستان (زدن)، و دستان (زدن) به معنی مثل زدن یا ضرب مثل، بارها به کار رفته. " (انوشه، ۱۳۷۶، ج دوم، ۱۲۲۲)

ضرب المثل های فارسی: "کلمه "مثل" عربی است و کلمه فارسی "مثل" است. وقتی مثل گفتن صورت بی ادبانه پیدا می کند آن را "متلك" می گویند. البته "ضرب المثل" يك ترکیب عربی است به معنای مثل زدن. "(آهنگری، ۲۰۱۵: ۳) اردو لغت (تاریخی اصولون پر): "ضرب الامثال: ضرب المثل کی جمع، وہ اقوال یا جملے جو مثال کے طور پر مشہور ہوں، کھاوتیں. "(فتح پوری، ۱۹۹۱: ۱۶) فرهنگ آصفیہ: "مثل (اسم مؤنث): مثال، کھاوت: وصف حال، کھانی، داستان. "(دہلوی، ندارد، ج چهارم: ۲۹۰)

قومی انگریزی اردو لغت: Proverb: "مختصر، پر مغز، مقبول عام مدت دراز سے زیر استعمال مقولہ، جس میں کوئی آشنا صداقت، عملی ہدایت یا مفید خیال موثر اور اکثر خوش نما تصویری زبان میں ہو، اسی بنا پر کوئی شخص یا چیز جو ضرب المثل ہو، عام تذکرے یا حوالے کا موضوع، زبان زد خاص و عام، خردمندانہ حکایت، کھاوت یا ہدایت؛ ایک نصیحت آمیز جملہ. "(جالبی، ۱۹۹۶: ۱۵۷۵) فرهنگ تلفظ: "ضرب المثل، (زَرْبُ مَ سَل) کھاوت، مثل، مقولہ دواہرانا (عربی محاورہ ضربت مثلاً پر مبنی ہے) - "(حقی، ۱۹۹۵: ۶۸۵) پس بنا بر این تعریفها در فرهنگهای معتبر، يك ضرب المثل را می توان چنین تعریف کرد:

"ضرب المثل يك داستان پر اندرز به صورت نمادین و بیان کلیشه ای شگفت آور است که در میان مردم شهرت یافته و بنا بر مشابہت در حالتی به منظور نزدیک ساختن مقصود و اختصار لفظی، در میان نظم و نثر می آورند."

ضرب المثل به عنوان اصطلاح ادبی

"امثال یکی از ارکان عمده ادبیات هر زبانی است. سخنوران با آوردن آنها در گفتار خود به صورت تضمین یا شاهد به سخن خود کمال و جمال و تاثیر و جذبه می بخشند. (دهخدا، ج ۱، ۱۳۹۰: ۹)" ضرب المثل يك جمله کوتاه پر از

حکمت می باشد. ساختار این جملها با وجود اختصار خیلی ساده و دلنشین و حاصل تجارب طولانی است. ضرب المثل در صورت پند و اندرز، شوخی، جمله انتقادی یا داستان می باشد. (خان، ۲۰۰۴: پیش گفتار) بعضی مطالب در بیش از يك ضرب المثل بیان شده است. مثلاً: این ضرب المثل: "از امروز کاری به فردا ممان، چه دانی که فردا چه گردد زمان" (باقری، ۱۳۸۷: ۳۶) به چند صورت دیگر هم رایج است: "کار امروز را به فردا میفکن"، یا "امروز تخم کار که فردا مجال نیست" (دهخدا، ج ۱، ۱۳۹۰: ۱۰۱) یا به صورت این بیت:

کنون کوش کآب از کمر گذشت
ناوقتی که سیلاب از سرگشت

(همان، ج ۱، ص ۱۰۱)

صوفی ابن الوقت باشد ای رفیق
نیست فردا گفتن از شرط طریق

(همان، ج ۱، ص ۱۰۱)

يك ضرب المثل دیگر: "اگر دیر آدم شیر آدمم" به این صورت نیز معروف است: "دیر آید درست آید" و این ضرب المثل: "آن چه دی کاشته ای می کنی امروز درو، طمع خوشه ی گندم مکن از دانه ی جو". (باقری، ۱۳۸۷: ۲۷) به این مفهوم اما به کلمات مختلف هم مستعمل است: "بد کاشتن و نیک درودن ناید، زیرا که همه کشته درودن باید" (همان: ۷۱)

به زبان اردو نیز گاهی يك مطلب در چند ضرب المثل تکرار می شود، مانند: "خلق کا خلق خدا کی زبان"، یا "زبان خلق کو نقارۂ خدا سمجھو". از حیث صنعت ادبی ضرب المثل می تواند یک تشبیه، صفت، استعاره، مصدر یا فعل می توان باشد. تمام این ضرب الامثال را می توان از حیث موضوع و ساختار به دو گروه تقسیم کرد، مثل‌های کوتاه و مثل‌های بلند.

مثل‌های کوتاه، امثال يك جمله طولانی نمی باشد بلکه مشتمل بر چند کلمات در داخل جمله یا شعر است. این مثل‌های کوتاه به نحو صفت، استعاره یا تشبیه واراند. این امثال گاه بطور وصف چیز بیان می شوند. و این وصف تشبیه ای است. در کتاب‌های مقدس قرآن کریم و انجیل‌های چهار گانه مثل‌های کوتاه تشبیه وار فراوان آمده است. (انوشه، ج دوم، ۱۳۷۶: ۱۲۲۲) مثلاً در قرآن حکیم گمراهان به سگ مثل داده شده اند: "فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ" (اعراف: ۱۷۶) ترجمه: "مثل او همچون سگ است".

مثال کوتاه به زبان اردو و فارسی برای تشبیه نیز به کار می برند. مثلاً برای تشبیه دادن چیزی پدیدار و روشن می گویند: "مثل آتش بر قلّه کوه" و به اردو می گویند: "روز روشن کی طرح". مایع حیات بخش را به فارسی و اردو هر دو به "آب حیات" مثل می زنند.

در زبان اردو و فارسی بعضی مثل‌های کوتاه، مصادر و افعالی اند که فقط در آن فرهنگ و زبان شناخته می شود. مثلاً به فارسی: "دنبه به گرگ سپردن"، (باقری، ۱۳۸۷: ۱۹۰) "کلاه کسی برداشتن" (همان: ۲۸۷) مثل می زنند و به اردو: مکھیاں اڑانا، شیر و شکر هونا و غیره.

مثل‌های بلند از حیث ساختار به صورت جمله کامل یا شعر بکار می رود. این گونه مثل‌ها مشتمل بر تلمیحات و داستان‌های اساطیری، اقوال پند و اندرز می باشند. بعضی مثل‌های بلند داستان گونه در قرآن کریم نیز بکار رفته اند. (انوشه، جلد دوم، ۱۳۷۶: ۱۲۲۲)

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا اصْحَابَ الْقَرْيَةِ اِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ. (یس: ۱۳) ترجمه: "و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمده اند.

امثال بلند به زبان اردو و فارسی به صورت شعر هم است. مانند:

از امروز کاری به فردا ممان

که دانی که فردا چه گردد زمان

(شاهنامه، ج ۱، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

آخر هر گریه آخر خنده ای است

مرد آخرین مبارک بنده ای است

(مثنوی معنوی، ۱۳۷۸: ۳۹)

بعضی مفاهیم ضرب المثل‌های معروف در شعر شاعران هم می توان مشاهده

کرد. مثلاً این ضرب المثل "پدرم سلطان بود" خیلی معروف است و معنی این ضرب

المثل در بیت زیر صائب هم آشکار است:

این ناکسان که فخر بر اجداد مینند

چون سگ باستخوان دل خود شاد می کنند

صائب تبریزی (گنجور)

يك مثال ضرب مثل بلند به فارسی به صورت يك جمله کامل چنین

است: "سگ را چه کسی گاز می گیرد اگر سگ گاز بگیرد" - (رازی، ۱۳۶۸:

۳۴۶)، یا "فارسی شکر است" - (باقری، ۱۳۸۷: ۲۶۲) و به اردو: "ظاهر رحمان، کا

باطن شیطان کا" (فیروزالدین، اندارد: ۹۳۵)، یا "تیلی کا تیل جلے مشعلچی کا سر

دکھے" - (همان، ۴۳۶)

بیت زیر مثال قشنگ ضرب المثل‌های کوتاه در مصرع اول و ضرب المثل بلند

در مصرع دوم است:

"حسن یوسف" "دم عیسی" "ید بیضا" داری

"آنچه خوبان هم دارند تو تنها داری"

مقایسه ترجمه ضرب المثل‌های فارسی و اردو به صورت موردی (تحقیق میدانی)

در زبان اردو و فارسی ضرب المثل‌های یکدیگر را عیناً بکار برده میشود یا

تراجم آن مستعمل است. ترجمه بعضی امثال کوتاه اردو در زبان فارسی چنین است: مانند مثل اردو: "خاک ڈالنا" به "خاک ریختن" ترجمه کرده به کار می رود. بعضی ضرب المثل بلند هم یافت می شود مانند: "چوری کا گڑ میٹھا ہوتا ہے" و ترجمه آن: "قند دزدی شیرین می باشد" رایج است حتی بعضی از متاخرین این ضرب مثل را در بیت خود بسته اند:

بود در خواب که بوسش کردم
قند دزدی چه؟ بلا شیرین است

(عبدالرشید، ۱۹۹۶: ۲۶۸)

مثال دیگر: اردو مثل اصل: "کنویں بھانگ پڑنا"،
ترجمه فارسی: بنگی به چاه افتاده است.
در این بیت:

هوش من تنہا نرفت از یاد آن خط زرخ
عالمی شد بی خبر بنگی به چاه افتاده است

(همان، ۲۵۹)

کاربرد اصل مثل فارسی در اردو عام است ولی ترجمه آنها هم معمول است. مانند: "ہمت مردان مدد خدا" همانطوری در اردو: "ہمت مردان مدد خدا" است. بعضی امثال دیگر از این قرار است: "دست خود، دھان خود" (فیروزالدین، ندارد: ۶۶۳)، "دیر آید درست آید" (همان: ۷۰۹) و "زبان یار من ترکی و من ترکی نمی دانم" (همان: ۷۸۵) به همین صورت در اردو رایج است.

مسائل مربوط به ترجمه ضرب الامثال از فارسی به اردو و برعکس

اگر به عمل ترجمه توجه کنیم "ترجمه در اصطلاح زبان شناسی گردانیدن پیامی از یک زبان (زبان مبدا) به زبان دیگر (زبان مقصد) است." (انوشه، جلدوم، ۱۳۷۶: ۳۳۹) اگر طبق اصول ترجمه از جان درایدن (جان درایدن، John

Dryden شاعر، منتقد ادبی، مترجم و نمایش نامہ نویس انگلیسی (1631-1700م)) ضرب المثلہا را ترجمہ کنیم، سہ گونه ترجمہ بدست می آید: (انوشہ، ج دوم، ۱۳۷۶: ۳۳۹)

۱۔ ترجمہ تحت الفظی: (Metaphrase): متن را واژه بہ واژه، و خط بہ خط از زبانی بہ زبان دیگری بر می گرداند .

۲۔ ترجمہ تفسیری: (Paraphrase) بہ این روش مترجم بیشتر بہ معنی متن می اندیشد تا بہ لفظ و متن را بہ بیانی غیر از بیان نویسندہ باز می گوید.

۳۔ ترجمہ اقتباسی/تقلیدی: (Imitation): مترجم در لفظ و معنی متن دست می برد، گاہی ہر دو را کنار ہم می نهد و با الہام از متن، بہ باز نویسی آن می پردازد. از این سہ طریق ترجمہ يك ضرب المثل فارسی "از تو حرکت از خدا برکت" چنین می شود:

ترجمہ تحت الفظی: "حرکت میں برکت"

ترجمہ تفسیری: جو ہمت کرتا ہے خدا اس کے کام میں برکت ڈالتا ہے۔

ترجمہ اقتباسی/تقلیدی: بہ صورت این بیت:

خدا نے آج تک اس قوم کی حالت نہیں بدلی

نہ ہو جس کو خیال آپ اپنی حالت کے بدلنے کا

طبق کتفورد (جان کاننسن کتفورد (John Cunnison Catford)،

(۱۹۱۷-۲۰۰۹) زبان شناس اسکاتلند) با توجہ بہ مرتبہ واحد ساختمانی زبان نیز

گوئہایی برای ترجمہ قایل شد کہ با مثال ترجمہ ضرب المثل متذکر بالا عبارتند از:

۱۔ ترجمہ آزاد (Free translation): حرکت کرو خدا برکت ڈالے گا۔

۲۔ ترجمہ تحت اللفظی: (Literal translation): "حرکت میں برکت"

۳۔ ترجمہ واژه بہ واژه (Word for word translation): "تم سے

حرکت، خدا سے برکت"۔

جدیدترین تقسیم‌بندی گونه‌های مختلف توجه به‌همت پیتر نیومارک (پیتر نیومارک (Peter Newmark)، (۱۹۱-۱۱۰۲)، استاد ترجمه) صورت پذیرفته است. نیومارک با توجه به این که ترجمه باید چه چیزی را هدف قرار بدهد، آن به دو گونه تقسیم می‌کند:

۱- ترجمه ارتباطی/پیامی: (communicative translation): ترجمه ارتباطی بر آن است تا در خوانندگان خود، همان تأثیری را بگذارد که در خواننده متن اصلی ایجاد شده است.

۲- ترجمه معانی: (Semantic translation): ترجمه معانی می‌کوشد تا آن‌جا که ساختارهای معنایی و نحو زبان مقصد اجازه دهد، عین معنای بافتی متن زبان مبدا را به زبان مقصد بگذارد. ترجمه ارتباطی فقط خواننده دوم را مخاطب قرار می‌دهند و از همین رو چندان علاقه‌ای به عناصر زبان مبدا و به‌زبان مقصد ندارد. اما ترجمه معانی در چارچوب فرهنگ خودی (مقصد) باقی می‌ماند. (همان: ۳۶۱) مثلاً:

ترجمه ارتباطی/پیامی: "همت مردان مدد خدا".

ترجمه معانی: "حرکت میس برکت".

یک مثل دیگر، "جیسا دیس ویسا بهیس" پس از گزار از هر فرایند ترجمه ارتباطی و معنایی، به فارسی چنین خواهد شد:

ترجمه ارتباطی: "خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو."

ترجمه معانی: "طوری که دیس همانطوری لباس."

پس رابط فارسی و اردو در ترجمه ضرب‌الامثال به سه بخش می‌توان دست‌بندی کرد:

۱- ضرب‌مثل مشابه از حیث لفظ و معنی: (ترجمه تحت‌اللفظ، ترجمه معنی)

این هر دو دسته ضرب‌المثل ذیل به این شکل در این زبانها رایج است، و اگر از حیث

ترجمہ بہ بینیم، اینہا ترجمہ لفظی و ہم معنی یک دیگر اند، مانند:

فارسی	اردو
دنیا بہ امید قائم۔	امید پہ دنیا قائم ہے۔
کار امروز بہ فردا میفکن۔	آج کا کام کل پر نہ چھوڑ۔
سگ در خانہ صاحبش شیر است۔	اپنی گلی میں کتا بھی شیر ہوتا ہے۔
آہن با آہن توان کوفت۔	لوہا لوہے کو کاٹتا ہے۔
احتیاج مادر اختراع است۔	ضرورت ایجاد کی ماں ہے۔

۲۔ ضرب المثل مشابہ از حیث معنی با الفاظ مختلف: (ترجمہ ارتباطی)

این دستہ مثل در ہر دو زبان متبادل مروج یک دیگر اند۔ این نوع ترجمہ رایج ترین روش ترجمہ است۔

فارسی	اردو
مار گزیدہ از ریسمان سیاه و سفید می ترسد۔	دودہ کا جلا چھاچھ بھی پھونک پھونک کر پیتا ہے۔
آدم بہ امید زندہ است۔	امید پہ دنیا قائم ہے۔
انسان جایز الخطاست۔	آدمی خطا کا پتلا ہے۔
آب رفته بہ جوی نیاید۔	گیا وقت پھر ہاتھ آتا نہیں۔
آدم گرسنہ خواب نان می بیند۔	بلی کو چھیچھڑوں کے خواب۔
اندیشہ مکن بہ کارہا در بسیار، کاندیشہ بسیار بیچاند کار۔	نیک کام میں دیر نہیں کرنی چاہیے۔
انگور از انگور رنگ گیرد۔	خربوزہ خربوزہ کو دیکھ کر رنگ پکڑتا ہے۔
حرف پر دارد۔	بات منہ سے نکلی اور پرائی ہوئی۔
آن در کہ خدای بست نگشاید کس۔	تمہارے چاہنے سے کچھ نہیں ہوتا اگر اللہ نہ چاہے۔

۳- ضرب المثل های غیر مشترک از حیث لفظ و معنی: (ترجمه آزاد، ترجمه

تفسیری)

اگر يك ضرب المثل در زبان دیگری از حیث معنی و لفظ وجود ندارد می توان آن را آزاد ترجمه یا واژه به واژه می توان کرد ولی شاید معنی تا حد اکثر رسا نباشد و يك نوع شرح تفسیر بیشتری لازم است.

فارسی	اردو
آدم گرسنه سنگ را هم می خورد-	بھو کا انسان پتھر بھی چاٹ باتا ہے-
آزادی آبادی است .	آزادی آبادی ہے-
آزموده به از مردم ناآزموده.	آزمایا ہوا نا آزمائے سے بہتر ہے-
آن قدر مار خورده تا افعی شده.	اتنے سانپ کھائے ہیں کھکھ خوداڑدھا ہو گیا ہے-
آن که داند دوخت او داند دری.	جو سینا جانتا ہے ادھیڑنا بھی جانتا ہے-
اگر یار اهل است کار سهل .	دوست اچھا ہو تو کام آسان ہو جاتا ہے-
اولاد پیدا می شود پدر و مادر پیدا نمی شود.	اولاد پیدا ہوتی ہے ماں باپ نہیں-
این يك تکه نان بربری من بخورم یا اکبری .	یہ ایک بربری نان کا ٹکڑا میں کھاؤں یا اکبری-

نتیجہ تحقیق:

نتیجہ این مطالعہ بعضی شرایط در ترجمہ نگاری ضرب المثل های فارسی و اردو با مشکلات ترجمہ آنان و حلی مربوط به آن به قرار زیر می باشد:

طبق ماهرین ترجمہ يك مترجم باید بیشتر در "زبان مقصد" چیرگی و مهارت داشته باشد بویژه محل کار برد ضرب الامثال و محاورات در زبان مقصد.

چون هدف اصلی ترجمہ خوانندگان به آن زبان اند . مهارت در زبان مبدا لازم

نیست و تا حدی شناخت اصطلاحات و تراکیب و محاورات و ادبیات آن زبان کافی است. (عبدالرشید، ۱۹۹۶: ۱۱۵) پس می بینم اگر کسی باید مترجم باشد با اندک معلومات زبان مبدا باز این مهم است که او محاورات و ضرب و مثل آن زبان مبدا را حتما بشناسد. تحقیق در زمینه ضرب الامثال حاکی بر آن است که بعضی ضرب الامثال بین زبانها مشترک اند و این امر دلیل بر روابط قدیمی آن زبانها است. (اسلم، ۲۰۱۰: Xi) پسهمان طور برای ترجمه ضرب الامثال زبان های فارسی و اردو، مترجم باید اول ضرب المثل مروج زبان مقصد را (بعنوان متبادل) پیدا کند بجای ترجمه لفظ به لفظ. اگر ترجمه لفظی لازم می باشد آن وقت باید سعی کرد تا معنی کلام تا حد امکان عوض نشود. در تراجم ادبی تا حدی گریز از لفاظی و غلبه بر نفس مضمون بهترین حل مشکلات است. (حقی، ۱۹۸۶: ۲۲۰، ۲۲)

گاهی يك لفظ معنایی مختلفی و زیادی دارد پس در ترجمه مهم است که لفظ در معنایی مطلوب بکار برود. (عبدالرشید، ۱۹۹۶: ۱۱۹) مثلاً لفظ "شیر" در فارسی به معنی حیوان و مائع خوردنی است. و برای این هر دو در اردو کلمه جداگانه بالترتیب "شیر" و "دوده" بکار می رود. پس مثل فارسی "شیر آمد! شیر آمد!" باید چنین به اردو ترجمه شود: "شیر آیا! شیر گیا!" نه اینکه "دوده آیا! دوده آیا!" فرهنگی بعنوان: "فرهنگ مشترك (فرهنگ مشترك، تالیف، دکتر گوهرنوشاهی، مقتدره قومی زبان، اسلام آباد، پاکستان، ۱۹۹۷ع). "در یافت واژگان مشترك در هر دو زبان اردو و فارسی را فراهم می آورد.

برای ترجمه بویژه تراجم شعر به نثر لازم می باشد که هر دو زبان، زبان مبدا و مقصد مساوی و هم رتبه باشد. (حقی، ۱۹۹۵: ۲۲۵) چون ساختار لسانی بعضی زبان ها مختلف می باشد. (همان: ۲۲۳) اما فارسی و اردو يك اشتراك فوق العاده ای در زبان و رسم الخط دارند. (نوشاهی، ۱۹۹۷: ۱۶۵) تراجم لفظ به لفظ برای تراجم کتابهای مقدس لازم است اما برای آثار عالی ادبی این روش مناسب نیست.

(کامران، ۱۹۸۶: ۲۲۵-۲۲۶) در اردو بیشتر ترجمه لفظی نظم به نثر مروج است. ولی این روش نه علمی است نه ادبی. چون انتخاب لفظ بجای لفظ عمل نادرست است. در این ضمن مثال ترجمه رباعیات عمر خیام از فیتز جیرالد شایسته ذکر است. رباعیات ترجمه شده به اصل خود مطابقت ندارد اما ترجمان رباعیات خیام است. یعنی اصل فکر و فلسفه، و رموز آن بر جا است. تعداد عمده ضرب الامثال اردو و فارسی به شعر می باشد. و ترجمه استعاره شعری سخت است. برای آن مهم است که پیکر لسانی آن دو زبان تا حدی نزدیک تر باشد. (همان، ۲۲۸) يك شعر لازوال شعری است که بعد از ترجمه هم شعر بماند. اما روش ترجمه نظم به نظم زیاد فروغ ندارد. پس ترجمه شعر اگر نثر هم باشد اما شعریت در آن لازم است. گفتگوی قلب و نظریك انسان را شاعری می نامند و ترجمه هم باید این ربط قلب و نظر داشت باشد تا يك ترجمه خوبی بوجود بیاید. (همان، ۲۲۸-۲۳۰)

در ترجمه نگاری هدف ترجمه از هر چیز مهم تر است. آن هدف یا ادبی می باشد یا علمی. (کامران، ۱۹۸۶: ۲۲۴) هدف هر چه باشد ترجمه يك کار آسان نیست. يك گونه علم می باشد که به يك زمان با دو زبان کار دارد. در نظر درآیدن برای ترجمه علم، ذهانت، تمرین و يك گونه سنجیدگی لازم میباشد. اما این ویژگیها در بیشتر مترجم نا پید است. به همین سبب بیشتر تراجم قابل تحمل نیستند. (عبدالرشید، ۱۹۹۶: ۱۰۲) پس هر روشی که برای ترجمه اختیار کنیم مهم این است که ربط ترجمه و اصل آن باقی بماند و این ترجمه باید برای خوانندگان زبان ترجمه مفید باشد. (کامران، ۱۹۸۶: ۲۲۴)

اردو و فارسی و فارسی بهترین مثال اشتراك لسانی و فرهنگی است، نه فقط امثال مشترك دارد بلکه از يك دیگر وام گرفته است. تراجم آثار ادبی اهمیت مسلم و محکم دارد. ترجمه يك کتاب نه فقط باعث گشایش ذهن انسانی باشد بلکه موجب گشادگی و اضافه در يك زبان است. (حقی، ۱۹۹۵: ۲۲۲) پس چند پیشنهاد مورد

نظر است:

- ۱۔ نیاز بہ یک اثر می باشد کہ مجموعہ تراجم ضرب المثلہای فارسی و اردو از نظر روش ترجمہ نگاری داشته باشد.
- ۲۔ متاسفانہ کار ترجمہ زیاد پذیرائی ندارد۔ مقالات و تراجم آثار باید بعنوان تحقیق شناختہ شود و جایگاہ معتبر در مجلہ ہای تحقیقی دادہ شود.
- ۳۔ محققین بیشتر در زمینہ تراجم آثار پردازند۔ تراجم آثار مہم بالعموم و ضرب المثلہا در آثار مختلف بالخصوص باید بہ اردو و فارسی بہ عنوان موضوع تحقیق باید پرداختہ شود۔ تا زبانہا بیشتر پیش رفت کنند و گنجین؟ زبان ہا باہم رد و بدل شود.

کتاب شناسی و منابع:

منابع عربی:

- ۔ القرآن کریم، ترجمہ حضرت آیتہ اللہ مشکینی، مرکز طبع و نشر قرآن کریم، جمہوری اسلامی ایران۔

منابع اردو:

- ۔ اسلم، دکتر فوزیہ، (۲۰۱۰ء)، مقدمہ، "اردو، اطالوی محاورات و ضرب الامثال کا مجموعہ، اگوستینو گیتانو بونو، راولپنڈی، نقش گر۔
- ۔ جالبی، ڈاکٹر جمیل، (۱۹۹۶ء)، قومی انگریزی اردو لغت، اسلام آباد، مقتدرہ قومی زبان۔
- ۔ حقی، شان الحق، (۱۹۸۶ء)، مقالہ: "ادبی تراجم کے مسائل"، اردو زبان میں ترجمے کے مسائل، مرتبہ اعجاز راہی، اسلام آباد، مقتدرہ قومی زبان۔
- ۔ حقی، شان الحق، (۱۹۹۵ء)، فرہنگ تلفظ، اسلام آباد، مقتدرہ قومی زبان۔
- ۔ خان، ڈاکٹر زیب النساء، (۲۰۰۴ء)، اردو - فارسی ضرب الامثال، پاکستان، مقتدرہ قومی زبان۔

- دہلوی، سید احمد، فرہنگ آصفیہ، جلد چہارم، لاہور، مکتبہ حسن سہیل لمیٹڈ۔

- عبدالرشید، (۱۹۹۶ء)، فارسی میں ہندی الفاظ، دہلی، مکتبہ رابطہ۔

- فتح پوری، ڈاکٹر فرمان، (۱۹۹۱ء)، اردو لغت (تاریخی اصولوں پر)، کراچی، اردو لغت بورڈ (ترقی اردو بورڈ)۔

- فیروز الدین، الحاج مولوی، جامع فیروز لغات اردو، پاکستان، فیروز سنز۔

- قریشی، نثار احمد، (۱۹۸۵ء)، ترجمہ: روایت اور فن، اسلام آباد، مقتدرہ قومی زبان۔

- کامران، پروفیسر جیلانی (۱۹۸۶ء)، مقالہ: "شعری ادب کے تراجم کے مسائل"، اردو زبان میں ترجمے کے مسائل، مرتبہ اعجاز راہی، اسلام آباد، مقتدرہ قومی زبان۔
- نوشاہی، ڈاکٹر گوہر، (۱۹۹۷ء)، فرہنگ مشترک، ماسلام آباد، قندرہ قومی زبان۔

- نوشاہی، ڈاکٹر، (۱۹۹۶ء) مقالہ: "ایران میں اردو"، بیرونی ممالک میں اردو، ڈاکٹر انعام الحق جاوید، اسلام آباد، مقتدرہ قومی زبان۔

- یاسمین، ڈاکٹر امیر، (۲۰۱۴ء)، مقالہ: "سیمین دانشور کے افسانوں میں ضرب الامثال کی چاشنی"، صص ۹۱-۹۹، مجلہ پیام آشنا، جلد ۱۵، شمارہ ۵۷، اسلام آباد، ثقافتی قونصلیٹ، سفارت اسلامی جمہوریہ ایران۔

منابع فارسی:

- انوری، دکتر حسن، (۱۳۸۱ ش)، فرہنگ بزرگ سخن، جلد پنجم و جلد ہفتم، تہران، سخن۔

- انوشہ، حسن، (۱۳۷۶ ش)، فرہنگنامہ ادبی فارسی، دانشنامہ ادب فارسی، جلد دوم، تہران، تہران۔

- آہنگری، دکتر فرشتہ، (۲۰۱۵م)، ضرب المثلہای فارسی (مفہوم و جاگاہ کاربرد

آنها) (غیر مطبوع).

- باقری، زهرا کشاورزی، (۱۳۸۷ ش)، ضرب المثل‌های معروف، ایران، بهزاد.
- جمشیدی پور، یوسف، (۱۳۴۶ ش)، فرهنگ امثال فارسی، تهران، فروغی.
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات مروارید.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۰)، لغتنامه، شماره مسلسل: ۲۰، تهران، سازمان لغتنامه.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰ ش)، امثال و حکم، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- رازی، محمد بن ابی بکر عبدالقادر، (۱۳۶۸)، امثال و حکم، ترجمه و تصحیح و توضیح: دکتر فیروز حریرچی، تهران، دانشگاه تهران.
- عمید، حسن، (۱۳۷۵ ش)، فرهنگ عمید، جلد سوم، تهران، امیرکبیر.
- عمید، حسن، (۱۳۸۱ ش)، فرهنگ عمید، جلد دوم، تهران، امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۷ ش)، شاهنامه، جلد اول، تهران، هرمس.
- معین، محمد، (۱۳۷۵ ش)، فرهنگ فارسی، جلد سوم، تهران، امیرکبیر.
- مولوی، بلال الدین محمد بن محمد، (۱۳۷۸ ش)، مثنوی معنوی، تهران، ثالث.

منابع انگلیسی:

1. Fetter man, David M., Ethnography: step by step, Volume 17, 3rd Edition, California, Fetterman & Associates, Stanford University, SAGE, Publication, Inc.
2. Harris, Roxy and Rampton, Ben, The Language, Ethnicity and Race Reader, Routledge, London & New York, Taylor and Francis Group.

وبگاه:

1. [list/nlpd.gov.pk//:http](http://list/nlpd.gov.pk/)
2. [wiki.ahlolbait.com//:http](http://wiki.ahlolbait.com/)
3. [/ganjoor.net//:https](https://ganjoor.net/)